

عنوان مقاله:

بررسی استدلال های سوئیبنرن در اثبات انسجام نظریه شخص مجرد

محل انتشار:

پژوهشنامه فلسفه دین، دوره 19، شماره 2 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

طیبه شاددل - دانش آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

منصور ایمانیور - دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

خلاصه مقاله:

ارائه تصویری منسجم از شخص مجرد برای سوئیبنرن اهمیت فراوانی دارد، زیرا مبنای پذیرش حقایقی همچون خداوند، فرشتگان و نفس در فلسفه اوست. سوئیبنرن با بهره گیری از آزمایش فکری ای مشابه «انسان معلق» ابن سینا، وجود شخص مجرد را امری ممکن و پذیرش چنین موجودی را امری معقول می داند. او در مقابل مخالفان نظریه شخص مجرد معتقد است که می توان صفاتی همچون امید و طلب را به شخص مجرد نسبت داد، هرچند ممکن است به صورت اوصاف پنهان در شخص مجرد باقی بمانند یا از طریق مداخله در عالم مادی بروز یابند. او نظریاتی که وجود شخص مجرد را با تمسک به عدم امکان تمایز آنها از یکدیگر زیر سوال می برند عجولانه می داند و استفاده از حافظه و مغز به عنوان ملاک این همانی شخصیت را نادرست می شمارد. به نظر او، هرچند می توان از حافظه و مغز به عنوان ملاکی معرفت شناختی برای این همانی شخصیت استفاده کرد، اما به دلیل مواجهه با مشکلات فراوان، نمی توان آنها را ملاک هایی متافیزیکی در نظر گرفت. دیدگاه سوئیبنرن در معرض انتقاداتی است که از جمله آنها می توان به مواردی همچون استفاده از مبانی متعارض، تصورناپذیری فرض انسان بدون بدن، و ضرورت وجود مغز برای هر گونه آزمایش فکری درباره حقیقت شخص اشاره کرد. این مقاله، با رویکردی تحلیلی-انتقادی مباحث فوق را مورد بررسی قرار داده است.

کلمات کلیدی:

شخص مجرد، این همانی شخصیت، انسان معلق، آزمایش فکری، سوئیبنرن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1461952>

